

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

برگردان از: حمید محوی
۲۰ مرچ ۲۰۱۴

مبارزه ایدئولوژیک : شرط ضروری برای پیروزی



یکی از خشونت آمیز ترین اشکالی که حملات عمومی بورژوازی علیه طبقه کارگر به خود می گیرد، در شکل ایدئولوژیک تبلور می یابد و از این طریق بر آن است تا توجیه ناپذیر را توجیه پذیر جلوه دهد. در نتیجه باید بپرسیم که طبقه کارگر برای رویارویی با چنین تهاجمی چگونه باید واکنش نشان دهد؟ تشدید مبارزه ایدئولوژیک تشدید مبارزه طبقاتی را منعکس می سازد. علاوه بر این، توجیه این امر که برای عبور از بحران به جز تحمیل سنگینی آن روی دوش مردم، آلترناتیو دیگری وجود ندارد، بورژوازی بی وقفه نظریه پوچ «اقتصاد بازار آزاد» و نظام «چند حزبی» را نه تنها به عنوان بهترین نظام بلکه نظامی که همواره ارجحیت داشته مطرح می سازد. بورژوازی دائماً این نظریات را حتی اگر واقعیت کاملاً خلاف آن را ثابت کرده باشد، مطرح می کند. چنین نظریاتی برای طبقه بورژوا حتی اگر واقعیت امور اعتبار آن را مردود ساخته باشد، معتبر باقی می ماند.

با این حساب باید بپرسیم که علیه این تبلیغات بی پایه و اساس چگونه باید مبارزه کنیم؟ آیا می توانیم مبارزه را به شکل تلاقی امور زندگی واقعی و نظریه «اقتصاد بازار آزاد» و «نظام چند حزبی» مطرح کرده و بی اعتباری آن را به عنوان پاسخ مناسب برای حل بحران نشان دهیم؟ ما بر این باور هستیم که چنین شیوه ای بی فایده است، زیرا به قلب مسأله به شکلی که برای طبقه کارگر مطرح می باشد، نفوذ نمی کند. طبقه کارگر باید برنامه خاص خود را داشته باشد. طبقه کارگر باید آگاهی خاص خود و سازمان خاص خود را داشته باشد. در نتیجه فوریتی برای مبارزه ایدئولوژیک وجود دارد تا در عین حال تحقق این برنامه را تضمین نماید.

افشای امور اقتصادی و سیاسی، کار مفیدی به نظر می رسد. و البته باید افشاءگری کرد. ولی اگر طبقه کارگر برنامه ای نداشته باشد، و اگر مبارزه ایدئولوژیک هدف تحقق بخشیدن به آن را پی گیری نکند، تفاوتی نخواهد داشت که چند بار تکرار کنیم که نظام بورژوائی منشای بحران است، چنین امری مانع بورژوازی نخواهد شد که به سهم خود تکرار نکند که نظام آنها بهترین نظام موجود در جهان است. پس چه باید کرد؟

طبقه کارگر چه در «شرق» و چه در «غرب» و در تمام جهان در چنگ «اقتصاد بازار آزاد» و «نظام چند حزبی» است. در زمینه اقتصادی، اقتصاد بازار آزاد کارگران را از ابزار تولید محروم می سازد. در زمینه سیاسی، چند حزبی کارگران را از قدرت سیاسی محروم می سازد. به عنوان رهبری داشتن جامعه ای که بر اساس نظام سرمایه داری اداره می شود، بورژوازی به برنامه طبقه کارگر اجازه نخواهد داد که هدایت اقتصادی را به عهده بگیرد. از سوی دیگر، طبقه کارگر انتخاب دیگری به جز اجرای برنامه خود در جامعه را ندارد، زیرا تنها راه خروج از بحران است.

ولی چگونه کارگران می توانند ستراتیژی های خودشان را در سطح اجتماعی عملیاتی سازند و اهرم های قدرت اقتصادی و سیاسی را به دست گیرند؟ طبقه کارگر باید برای برنامه خود مبارزه کند و هم زمان به افشای انتقادی برنامه بورژوازی ادامه دهد. طبقه کارگر باید نشان دهد که اگر برنامه ستراتیژ خود را به اجراء گذارد بحران به نفع مردم خاتمه خواهد یافت، در صورتی که هر اندازه برنامه بورژوازی بیشتر به اجراء گذاشته شود بحران وخیم تر خواهد شد. طبقه کارگر باید قاطعانه مبارزه ایدئولوژیک را به پیش ببرد و همواره پایه و اساس وجوه نظریه پرداختی و ایدئولوژیک را در چشم انداز حفظ کرده و آن را به تعاریف مدرن تکیه دهد.

به عنوان نقطه آغاز حرکت، طبقه کارگر باید مبارزه ایدئولوژیک را به هدف متقاعد ساختن اقشار جامعه به پیش ببرد و به آن ها نشان دهد که واقعاً آلترناتیوی وجود دارد. بورژوازی در بن بست خود را به عنوان نیروی معرفی می کند که برای اصلاحات مستعد است. از یک سو اصلاحات نئولیبرال در پی آن است که انحصارات تمام منابع اجتماعی و ملی را تقویت کند. در نتیجه هدف بورژوازی حذف فراقواست های کارگران در مورد جامعه و منابع آن است.

از سوی دیگر برنامه اصلاحات طبقه کارگر مطرح می باشد. اصول ستراتیژی چنین اصلاحاتی ابتداء عبارت است از باز شناسی فراقواست های تمام اعضای جامعه، سپس نظام اجتماعی به شکل بنیادی باید تحول یابد و قدرت سیاسی به دست مردم واگذار شود تا بتوانند برای اداره زندگی خودشان تصمیم گرفته و بر آن تسلط یابند. برنامه طبقه کارگر به شکل اصولی روی دو اصل ستراتیژیک تکیه دارد. به همین علت نیز هست که مبارزه ایدئولوژیک اهمیت حیاتی می یابد. طبقه کارگر باید سطح آگاهی خود را با نفی دعاوی مدافعان منافع خصوصی در انحصارات ارتقاء دهد و یعنی بی اعتباری همان مدافعانی را نشان دهد که مدعی تعدد احزاب سیاسی هستند و نشان دهد که جوهر اصلی این اصلاحات، در بررسی اعماق مسائل، ضد کارگری بوده است. این مبارزه ایدئولوژیک به شکل هم زمان باید برای طراحی برنامه و برای ایجاد تحول در ستراتیژی های اقتصادی و تحقق دموکراسی نو در روند سیاسی به کار بسته شود.

غالباً، موضوعی که در رابطه با یک برنامه خوب مطرح می شود، این است که اگر هیچ کس آن را معرفی نکند و رسانه ها نسبت به آن بی اعتناء باقی بمانند، هیچ شانس موفقیتی نخواهد داشت. چنین برداشتی از برنامه طبقه کارگر چیزی به جز یک حقیقت جزئی نیست. حقیقت کلی این است که طبقه کارگر تا وقتی که مبارزه ایدئولوژیک را برای تحقق برنامه خود تحقق نبخشد همچنان در رویارویی با یورش های ایدئولوژیک طبقه بورژوا شکستنده باقی خواهد ماند.

و باید دلیل و برهان هائی را طرح ریزی کند تا نشان دهد که اصلاحات نئولیبرال به جای تسکین بحران آن را تشدید می کند. طبقه کارگر باید نشان دهد که اصلاحات بر اساس بررسی و پژوهش علمی در زمینه علوم انسانی صورت نگرفته و کاملاً در راستای منافع خصوصی قدرتمندترین انحصارات طرح ریزی شده است. و باید نشان دهد که تنزل حقوق طبقه کارگر برای اقتصاد خسارت بار است. کاهش سرمایه گذاری در آموزش و پرورش و منحصر ساختن منابع و

امکانات موجود به منافع خصوصی در آموزش و پرورش روی درآمدها فشار سنگینی وارد خواهد ساخت و همین روند در مورد بهداشت و امور درمانی نیز وجود دارد که از طریق قطع بودجه های اجتماعی در زمینه بیمه های درمانی صورت گرفته است. واقعیت این است که فشار روی برنامه های اجتماعی به نتایج یکسانی می انجامد. و در صورتی که طبقه کار منفعلی باقی بماند، اصلاحات نئولیبرال خدمات آموزشی و بهداشتی و برنامه های اجتماعی دیگر را برای منافع ثروتمندترین بخش جامعه منحرف خواهد کرد.

طبقه کارگر باید جامعه را متقاعد سازد که فراقواست های همگانی را بپذیرند و اقتصاد را بر این اصل پایه گذاری کنند. طبقه کارگر باید با عرضه دلایل روشن نشان دهد که چنین امری برای رشد و آزاد سازی نیروهای مولد ضرورت حیاتی دارد. جامعه نمی تواند اجازه دهد که روند تخریب توده های عظیم نیروهای مولد نابود شوند، با نتایج ویرانگر از سوی بحران های دوره ای و دائمی (اجتناب ناپذیر در نظام سرمایه داری). کارگران باید توضیح دهند که نتایج ویرانگر بحران های اقتصادی و برنامه های خصوصی در زمینه های اجتماعی و معنوی به جنگ و اغتشاشات اجتماعی می انجامد.

طبقه کارگر باید به روشنی توضیح دهد که جامعه سرانجام باید به ضرورت تحول بنیادی در اقتصاد پی ببرد، به ویژه در رابطه با محتوای مناسبات بین اشخاصی که ثروت بین آنها تمرکز یافته و بخش فقیر جامعه. مبارزه ایدئولوژیک باید قهرمانان اصلاحات نئولیبرال را هدف بگیرد و باید از هر گونه اشتباهی اجتناب کند زیرا این برنامه ها ظاهراً مدعی حل مسائل هستند ولی عملاً طبقه کارگر را واپس زده و به انفعال می کشاند.

طبقه کارگر باید علیه هر گونه تبلیغات دولتی که به بهانه ایجاد کار برای بیکاران سرمایه های عمومی را به صندوق شرکت های خصوصی اختصاص می دهد، در واقع چنین راه های حلی تنها به افزایش منافع سرمایه داران می انجامد. یکی از دامهایی که برای طبقه کارگران می چینند، این پرسش است که پول ضروری برای این اصلاحات بنیادی و برای پاسخ گوئی به فراقواست های تمام اعضای جامعه از کجا تأمین می شود، تا قدرت سیاسی به دست مردم بیفتد و برای امور خودشان تصمیم بگیرند؟ پاسخ به چنین پرسشی خلاف تمام تصورات خیلی ساده و روشن است، هیچ منبع ثروتی به جز کار روی طبیعت وجود ندارد. منبع ثروت ایجاد ارزش اضافی است. به عبارت دیگر طبقه کارگر از آنهایی که با ارزش اضافی ثروت اندوزی کرده اند، سلب مالکیت کند. طبقه کارگر باید به روشنی اعلام کند که هر فردی که تنها به نفع خودش و بی آن که به سعادت جمعی جامعه یا طبقه کارگر توجهی نشان دهد در اقتصاد شرکت داشته باشد، شایسته احترام نیست.

به طور خلاصه، هدف کمونیست ها رساندن طبقه کارگر به کسب اهرم های اجتماعی برای هدایت جامعه می باشد. یکی از شیوه های دائمی برای رسیدن به چنین هدفی مبارزه ایدئولوژیک است. لینک متن اصلی :

<http://www.cpcml.ca/francais/Lmlq2014/Q44039.HTM#3>

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۸ مارچ ۲۰۱۴

روزنامه حزب کمونیست کانادا (مارکسیست-لنینیست)

شماره ۳۹ - ۱۵ مارچ ۲۰۱۴

۵۱ مین سالگرد بنیانگذاری انترناسیونالیست ها